

الگوی ساختاری عوامل مؤثر بر درک ساکنان بومی نسبت به حمایت از توسعه پایدار گردشگری در مجموعه تخت جمشید

محمد نجارزاده، استادیار، گروه مدیریت جهانگردی، دانشگاه سمنان، ایران*
مجید نعمت‌اللهی، کارشناسی ارشد مدیریت جهانگردی، دانشگاه سمنان، ایران

چکیده

مجموعه‌های تاریخی از مهم‌ترین بخش‌های هویتی هر جامعه‌اند و ساختارهای فرهنگی آن را نشان می‌دهند. درک ساکنان بومی از این مکان‌ها، نقش مهمی در پیشبرد برنامه‌های توسعه و یکپارچگی تصمیم‌های مدیریتی و مشارکتی دارد. هدف پژوهش حاضر، بررسی عامل‌های مؤثر بر درک ساکنان بومی نسبت به حمایت از توسعه پایدار گردشگری در تخت جمشید است. پنج روستای کناره، جلیان، فیروزی، شهرک مهدیه و شهرک ولی عصر برای جامعه آماری پژوهش انتخاب شدند. پژوهش از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، توصیفی - پیمایشی و از نظر هدف، کاربردی است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه است که روایی و پایایی آن با تحلیل عامل تأییدی و آلفای کرونباخ سنجیده شده است. مردم محلی با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و جدول کوکران، تعداد ۳۸۵ پرسش‌نامه را تکمیل کردند. برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از الگوی معادلات ساختاری، آزمون ضریب همبستگی پیرسون و T تک‌نمونه‌ای استفاده شده است. نتیجه‌ها، نشان می‌دهند متغیر مشارکت اجتماعی با ضریب تأثیر ۰/۷۹، بیشترین اثر را بر درک ساکنان بومی دارد. تعلق اجتماعی با ضریب تأثیر ۰/۱۷، رابطه مثبت و معنادار و نگرش زیست‌محیطی با ضریب تأثیر ۰/۲۲، رابطه منفی و معناداری با درک ساکنان بومی نسبت به مجموعه تخت جمشید دارد؛ بدین معنا که با افزایش درک ساکنان نسبت به این مجموعه، نگرانی آنها نسبت به مسئله‌های زیست‌محیطی بیشتر شده است. در واقع مسئله‌های زیست‌محیطی تأثیر منفی بر درک مردم بومی نسبت به مجموعه داشته‌اند. در نهایت درک ساکنان بومی، تأثیر مثبت و معناداری بر حمایت از تخت جمشید دارد که میراثی جهانی و حمایت‌کننده توسعه پایدار گردشگری است.

واژه‌های کلیدی: درک ساکنان بومی، تعلق اجتماعی، نگرش زیست‌محیطی، مشارکت اجتماعی، تخت جمشید

مقدمه و بیان مسأله

گردشگری موفق و پایدار در کشورهای در حال توسعه، نقطه اتکای توسعه اقتصادی و بزرگ‌ترین صنعت و کارفرمای جهان است. برای کشور ارز می‌آورد و به‌ویژه برای منطقه‌های فقیر، درآمد و اشتغال ایجاد می‌کند. به استناد آمار سازمان جهانی گردشگری، این صنعت حدود ۲۲۰ میلیون نفر را در سراسر جهان به کار مشغول کرده است. از هر ده شغل ایجاد شده در جهان، یک شغل مربوط به گردشگری است. گردشگری برای ۸۳ درصد از کشورهای در حال توسعه، مهم‌ترین منبع درآمد ارز خارجی و صادرات است (ضرغام‌بروجنی و شالبافیان، ۱۳۹۲: ۱۳). حضور این گردشگران بر الگوی زندگی افراد بومی تأثیر دارد. روشی که بازدیدکنندگان در پیش می‌گیرند و رابطه‌های فردی هریک از آنان با شهروندان کشور میزبان، بر روش زندگی و طرز برخورد افراد محلی تأثیر عمیقی دارد (الوانی و پیروزیخت، ۱۳۸۵: ۱۵۷). کیفیت زندگی ساکنان منطقه‌های گردشگری از گردشگری تأثیر می‌گیرد؛ از این رو در دو دهه اخیر، ساکنان، هسته اصلی بسیاری از پژوهش‌های گردشگری در نظر گرفته شده‌اند (وئوقی و همکاران، ۱۳۹۰). متأسفانه در برخی مقصدهای گردشگری، مردم بومی از گردشگران جدا شده‌اند و نقش مردم در رسیدن به توسعه پایدار منطقه‌های روستایی و مقصدهای گردشگری، کم‌رنگ شده است (رنجیریان و زاهدی، ۱۳۸۸: ۱۲۴)؛ بنابراین یکی از عوامل مهم در بررسی درک مردم، میزان مشارکت آنان در تصمیم‌های مدیریتی است. اعتماد و تعامل میان ساکنان و مدیران در روند توسعه یک منطقه بسیار حیاتی است (زنگنه و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۲). از سوی دیگر همان‌طور که جامعه‌شناسانی همچون دورکیم اشاره کرده‌اند، مشارکت اجتماعی سبب به‌وجود آمدن جامعه‌ای سالم و بانشاط می‌شود. میزان مشارکت اجتماعی تأثیر مهمی بر موفقیت برنامه‌های توسعه، رفاه و بهزیستی جامعه دارد (گلابی و اخشی، ۱۳۹۳: ۱۴۰). مشارکت اجتماعی با تعلق اجتماعی افراد ترکیب می‌شود و نقش مهمی در زندگی آنها ایفا می‌کند

(McCool & Martin, 1994: 30). احساس تعلق به جامعه، در افراد این انگیزه و احساس مسئولیت را ایجاد می‌کند که جهت بهبود همه‌جانبه محیط سکونت تلاش کنند؛ از این رو احساس تعلق اجتماعی و به‌دنبال آن مشارکت، اجرای برنامه‌های مختلف اجتماعی - اقتصادی را در اجتماع محلی با توفیق چشمگیری همراه می‌کند و کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشد (زنگنه و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۲). وابستگی احساسی موجب تقویت و تثبیت همبستگی گروهی می‌شود؛ زیرا حس تعلق گروهی، عنصر اساسی و سازنده گروه است و زمینه پیوند اعضای گروه و در نتیجه پویایی گروه را فراهم می‌کند (بیدل و محمودزاده، ۱۳۹۱: ۳۲)؛ بنابراین مشارکت اجتماعی از طریق همبستگی گروهی سبب پررنگ شدن نقش افراد می‌شود. نتیجه‌های پژوهش‌ها، اهمیت درک ساکنان بومی، تعلق اجتماعی و مشارکت اجتماعی منطقه‌های گردشگری را در توسعه پایدار گردشگری نشان می‌دهد (Reitsamer et al. 2016; Minnaert, 2014 علیقلی‌زاده فیروزجایی و همکاران، ۱۳۸۹). توسعه گردشگری همانند شمشیری دولبه برای جامعه محلی عمل می‌کند، منفعت‌هایی را به وجود می‌آورد و هزینه‌هایی را بر جامعه تحمیل می‌کند. بیشتر توجه‌های دانشمندان به اثرهای اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی گردشگری در کنار نگرش مردم بومی نسبت به آن معطوف بوده است (Sharpley, 2014: 38). اگرچه ساکنان محلی نسبت به اثرهای مثبت اقتصادی و اجتماعی گردشگری جامعه‌ای آشنایی دارند که در آن زندگی می‌کنند، برخی مطالعه‌ها به نگرانی‌های ساکنان محلی درباره پیامدهای منفی گردشگری توجه کرده‌اند (Bestard & Nadal, 2007; Gu & Ryan, 2008; Latkova & Vogt, 2008; Terzidou et al. 2012)؛ برای مثال از پیامدهایی که در بیشتر پژوهش‌های مرتبط با صنعت گردشگری درباره آن بحث شده است، وضعیت زیست‌محیطی منطقه‌های گردشگری است (نجارزاده و نعمت‌اللهی، ۱۳۹۵؛ Reitsamer et al. 2016). پژوهش‌ها نشان می‌دهند ساکنان منطقه‌های میزبان، به‌شدت درباره محیط زیست پیرامونشان نگران‌اند (Akvan &

تخت جمشید از زمین‌های کشاورزی پوشیده است و بیشتر این زمین‌ها به ساکنان بومی روستاهای اطراف تخت جمشید متعلق است، هر ساله کشاورزان بین ماه‌های تیر و شهریور و بعد از برداشت گندم، زمین‌های خود را برای شروع فصل جدید کشت، آتش می‌زنند و این کار، دود غلیظی ایجاد می‌کند که به مجموعه و محیط زیست اطراف آن آسیب می‌رساند. نظارت و تعامل دوطرفه میان تصمیم‌گیرندگان و ساکنان بومی، مسیر توسعه پایدار را در تخت جمشید هموارتر می‌کند؛ ضمن اینکه اخیراً فرونشستن زمین در حریم درجه یک مجموعه تخت جمشید به دلیل استفاده بیش از حد از منابع‌های آب زیرزمینی برای کشاورزی، اهمیت نقش ساکنان بومی این مجموعه را دوچندان کرده است.

همه این عوامل‌ها سبب شده است ساکنان بومی و توانمندسازی آنان، نقش انکارناپذیری در تصمیم‌گیری‌ها و فرایندهای مدیریتی این مجموعه داشته باشند؛ بدین منظور در پژوهش حاضر سعی شده است با توجه به مبانی نظری پژوهش، مهم‌ترین عامل‌های مؤثر بر توسعه گردشگری پایدار در مجموعه تخت جمشید بررسی شود. متغیرهای تعلق اجتماعی، نگرش زیست‌محیطی و مشارکت اجتماعی، مهم‌ترین عامل‌های اجتماعی تأثیرگذار بر درک ساکنان بومی نسبت به توسعه پایدار گردشگری‌اند و رابطه میان آنها بررسی شده است. در این مسیر سؤال‌های پژوهش به صورت زیر بیان شده است:

۱. آیا تعلق اجتماعی بر حمایت ساکنان روستاها از مجموعه تخت جمشید که یک میراث جهانی است، تأثیر مثبتی دارد؟
۲. آیا تعلق اجتماعی بر درک مردم محلی نسبت به مجموعه تخت جمشید تأثیر مثبتی دارد؟
۳. آیا نگرش زیست‌محیطی مردم محلی بر درک نسبت به تخت جمشید تأثیر مثبتی دارد؟
۴. آیا میزان مشارکت ساکنان، بر درک از مجموعه تخت جمشید تأثیر مثبتی دارد؟

703: 2005). براساس گزارش‌های گسترده وسیله‌های ارتباط جمعی درباره مسئله‌ها و مشکل‌های زیست‌محیطی جهانی، توجه به محیط زیست اهمیت زیادی پیدا کرده است. مردم و مسئولان کشورها دریافته‌اند باید در حفظ سلامتی این کره خاکی جدی باشند (الوانی و پیروزیخت، ۱۳۸۵: ۱۹۹-۱۹۸). ساکنان بومی منطقه‌های گردشگری، نقش مهمی در کاهش اثرهای منفی زیست‌محیطی ناشی از ورود گردشگران و توسعه صنعت گردشگری دارند (Brida et al. 2010: 591,600)؛ بنابراین با مشارکت آنان تا حد زیادی از آسیب‌های محیطی منطقه‌های گردشگری کاسته می‌شود (Jackson & Inbakaran, 2006: 356).

مجموعه‌های تاریخی به دلیل نشان دادن هویت جامعه‌ها، ارزش زیادی برای ساکنان بومی دارند. این بناها از مهم‌ترین بخش‌های هویتی هر جامعه محسوب می‌شوند و پیدایش آنها نشان‌دهنده ساختارهای اقلیمی و فرهنگی جامعه است (تیموری و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۶). سایت تاریخی پارسه (تخت جمشید) با گذشت نزدیک به ۲۵۰۰ سال همچنان گردشگران داخلی و خارجی را جذب می‌کند. همه‌ساله عامل‌های گوناگون طبیعی و انسانی، اثرهای ملی را تخریب می‌کنند. مردمی که در نزدیکی این مجموعه زندگی می‌کنند، نقش مهمی در تصمیم‌های مدیریتی آن دارند؛ اما ساکنان این روستاها نقش خود را به درستی ایفا نکرده‌اند. روستاهای زیادی در کنار مجموعه وجود دارند که مسافت خیلی کمی با آن دارند و این بدان معناست که هر گونه تصمیم‌گیری درباره تخت جمشید، در زندگی ساکنان این روستاها تأثیر خواهد داشت؛ به علاوه بعضی از این افراد به طور مستقیم از مزیت‌های اقتصادی و اجتماعی این مجموعه بهره می‌برند.

یکی دیگر از مسئله‌های موجود، کمبود مطالعه‌ها و پژوهش‌ها در زمینه اهمیت و نقش نگرش مردم محلی نسبت به تصمیم‌گیری‌های مرتبط با توسعه گردشگری در مجموعه تخت جمشید است. بیشتر پژوهش‌ها ویژگی‌های معماری این مجموعه را بررسی کرده‌اند. با توجه به اینکه اطراف محوطه

مذهبی که بیشتر از دریافت‌های عاطفی تشکیل شده‌اند، تأثیر زیادی بر روند توسعه گردشگری منطقه‌های گردشگری دارند (نوری‌شادمهانی، ۱۳۹۰). مفهوم حس اجتماعی، از نیازهای اساسی انسان و عاملی است که آسیب‌های اجتماعی و محلی را کنترل می‌کند (مبارکی و صلاحی، ۱۳۹۱: ۲۷۵)؛ این مفهوم، از دیدگاه‌های مختلفی مانند روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و کالبدی بررسی شده است (مبارکی و صلاحی، ۱۳۹۱: ۲۷۶). پژوهش‌های زیادی رابطه میان تعلق اجتماعی و نگرش ساکنان نسبت به توسعه گردشگری را بررسی کرده‌اند (Nicholas et al. 2009; Mason & Cheyne, 2000 & Brida et al. 2010). این پژوهش‌ها هم بر مفهوم عملیاتی‌سازی^۱ و هم بر رابطه میان توسعه پایدار و تعلق اجتماعی تأکید دارند؛ برای مثال نیکولاس و همکاران به این نتیجه رسیده‌اند که مردم بومی نسبت به مکان تولد، میراث و هویت خود تعلق‌خاطر بیشتری دارند و نسبت به گردشگری، نگرش مثبت کمتری دارند (in: Um & Cromton, 1978: 27). مینچل و رید و آکان و کووان اشاره می‌کنند که در بیشتر موارد، مردم بومی نسبت به اثرهای اقتصادی و اجتماعی توسعه گردشگری، نگرش مثبت و نسبت به اثرهای منفی آن، نگرش منفی دارند (Mitchel & Reid, 2001; Akan & Kuvan, 2005). گورسای و همکارانش مشخص کرده‌اند فرضیه وجود رابطه مستقیم میان سطح‌های تعلق اجتماعی و مزیت‌های درک‌شده گردشگری و رابطه منفی میان سطح‌های تعلق اجتماعی و هزینه‌های گردشگری، رد شده است (in: Nicholas et al. 2009). از آنجا که پژوهش‌های اندکی درباره گردشگری در علوم اجتماعی انجام شده است، در این پژوهش مفهوم تعلق اجتماعی، عاملی تأثیرگذار بر درک مردم بومی در مجموعه تاریخی تخت‌جمشید در نظر گرفته شده است.

سطح کیفیت زیست‌محیطی کشور یا منطقه و به‌ویژه کیفیت موجود در ناحیه‌های بالقوه جهانگردی، عاملی بسیار مهم برای ساکنان محلی و جذب توریست‌هاست

۵. آیا میزان مشارکت ساکنان بر حمایت از توسعه پایدار گردشگری در تخت‌جمشید، تأثیر مثبتی دارد؟
 ۶. آیا درک مردم محلی نسبت به مجموعه بر حمایت از تخت‌جمشید تأثیر دارد؟
 ۷. آیا درک مردم محلی نسبت به مجموعه، بر حمایت از توسعه پایدار گردشگری تأثیر می‌گذارد؟
 در ادامه تأثیر درک ساکنان بومی بر حمایت از توسعه پایدار و مجموعه تخت‌جمشید و مفهوم هرکدام از عامل‌های تشریح‌شده و رابطه این متغیرها بررسی می‌شود.

پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های ابتدایی که درباره صنعت گردشگری انجام شده است، درباره نقش‌های اجتماعی، روان‌شناسانه، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی گردشگری مطلب‌های زیادی نوشته شده است. این پژوهش‌ها بر نقش مردم میزبان تأکید کرده است. نقش، یک واژه قراردادی جامعه‌شناختی برای توضیح موقعیتی است که شخص در اجتماع دارد (پی‌یرس، ۱۳۸۹: ۴۵). از دیدگاه جامعه‌شناسی، هویت انسان‌ها در دنیای معاصر نسبی و سیال است و این هویت‌ها در رابطه با سایر افراد معنا می‌یابد (شیانی و هاشمی، ۱۳۹۲: ۵۸ و ۵۹). تعلق اجتماعی، حسی بالنده و حیاتی میان مردمی است که منفعتهای و سرنوشت مشترکی دارند. وجود جامعه، متضمن علاقه و وابستگی و وفاداری افراد به آن و احساس پیوستگی به «مای» کلی است. حس تعلق گروهی، عنصر اساسی و سازنده گروه است و پیوند میان اعضای گروه و در نتیجه پویایی گروه را تضمین می‌کند (بیدل و محمودزاده، ۱۳۹۱: ۳۲). در واقع تعلق اجتماعی فرد نسبت به یک مکان، با ارزش قائل شدن، قدردانی و وفاداری نسبت به آن شناخته می‌شود. هویت ملی بالاترین سطح تعهد به جامعه و مردم است که ویژگی‌های اساسی اجتماعی، فرهنگی، روانی و فلسفی را در خود دارد و آگاهانه افراد را از سایر گروه‌ها متمایز می‌کند (شیانی و هاشمی، ۱۳۹۲: ۵۷ و ۵۸). این دسته از ارزش‌ها به‌ویژه ارزش‌های ملی‌گرایانه و

^۱ Operationalization

از آثار اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی باشد (گوهری، ۱۳۹۰: ۱۳). شاید این سؤال مطرح شود که چرا بیشتر مطالعه‌های انجام گرفته، بر اثرهای جهانگردی یا بروز این اثرها در منطقه یا جامعه میزبان متمرکز شده‌اند؟ دلیل این امر، فرایند و نوع عرضه و تقاضا یا تولید و مصرف در بازار جهانگردی است که با بسیاری از بازارها و صنعت‌های دیگر تفاوت دارد؛ زیرا در جهانگردی، تولید و مصرف در یک منطقه صورت می‌گیرد (گوهری، ۱۳۹۰: ۱۸).

اسمیت و کرانیچ به این نتیجه رسیدند که رابطه مستقیمی میان توسعه گردشگری و نگرش منفی مردم بومی وجود دارد. به علاوه مردم بومی در شمال ولز پذیرفته‌اند که گردشگری به زوال بوم‌شناختی منطقه منجر می‌شود. در جایی دیگر، مردم بومی گردشگری را عاملی برای شناخته شدن شهر و محیط پیرامون آن می‌دانند (Smith & Krannich in: Nicholas et al. 2009).

بی تردید با مشارکت جامعه‌های محلی در زمینه توسعه گردشگری، از کم‌رنگ شدن هویت اجتماعی و فرهنگی این جامعه‌ها جلوگیری می‌شود و این هویت میان آنها تقویت می‌شود (نوری شادمهانی، ۱۳۹۰: ۳۴). مشارکت در یک اجتماع محلی، از ایجاد حساسیت نسبت به مشکل به وجود آمده آغاز می‌شود که نخستین پله مشارکت است (نوری نشاط، ۱۳۸۸). گنجی و زارع غیاث‌آبادی (۱۳۹۴) مشارکت را یکی از اجزای سرمایه اجتماعی می‌دانند و تأکید می‌کنند که شرط برقراری ارتباط با دیگران در جامعه‌های امروزی، گسترش پیوندهای خود در اجتماع‌های محلی و شناخت یکدیگر به صورت عنصری منحصربه‌فرد و ایجاد عام‌گرایی به جای خاص‌گرایی است. این پژوهشگران سرمایه اجتماعی را عاملی برای سنجش کیفیت ارتباطها در جامعه‌ها و یک حس تعلق و همبستگی اجتماعی می‌دانند. دانشمندان به دنبال یافتن راهی برای شرکت دادن مردم بومی در تصمیم‌گیری‌ها بوده‌اند (Gunn, 1994; Inskip, 1991). مردم میزبان با شرکت کردن در فرایندهای تصمیم‌گیری، هدف‌ها و تمایل‌های خود را به صنعت گردشگری وارد می‌کنند (Joppe, 1996; Mitchell & Reid, 2001; Timothy, 1999). مطالعه‌های پیشین بر این فرض

(ضرغام‌بروجنی، ۱۳۸۹: ۱۵۴). در ادبیات روزمره و نوشته‌های تاریخی جامعه‌شناسانه، نگرش‌های منفی درباره رابطه میان گردشگری و آسیب‌های زیست‌محیطی وجود دارند. در واقع «عقیده‌های کلیشه‌ای» در این دسته از تعریف‌ها قرار گرفته‌اند (پی‌یرس، ۱۳۸۹: ۴۲)؛ اما همیشه نگرش نسبت به عامل‌های محیطی منفی نبوده است. رضوانی و نجارزاده (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی و تحلیل زمینه‌های کارآفرینی روستاییان در فرایند توسعه نواحی روستایی» اشاره کرده‌اند که درجه آشفتنگی محیطی و تجربه‌های محیطی افراد جامعه در کارآفرینی و توانمندسازی ساکنان شهری و روستایی اثر دارد. براساس این پژوهش عامل‌های محیطی، نقشی مؤثر در ایجاد سازمان‌های جدید شناخته شده دارند و توسعه پایدار در ناحیه‌های روستایی، منوط به آماده‌سازی محیط اجتماعی و اقتصادی روستاها با استفاده از توانمندسازی نیروی انسانی جوان دانسته شده است.

به طور کلی بیشتر پژوهش‌هایی که درباره نگرش مردم بومی انجام شده‌اند، بر اثرهای زیست‌محیطی گردشگری تأکید کرده‌اند (معصومی، ۱۳۸۵؛ Vargas-San Chez et al. 2009). مردم بومی ممکن است هم نگرش مثبت و هم نگرش منفی درباره اثرهای زیست‌محیطی داشته باشند (Sharpley, 2014). ستنا و ریچموند در پژوهش خود درباره جزیره‌های ویرجینیا، به این نتیجه رسیده‌اند که گردشگران به ساحل‌های این منطقه آسیب زده‌اند (Sethna & Richmond in: Nicholas et al. 2009). برخی دیگر از پژوهش‌ها به رابطه میان اثرهای گردشگری و عامل‌هایی همچون میزان، ماهیت و توسعه گردشگری و میزان کنترل این صنعت اشاره کرده‌اند؛ برای مثال امکان دارد در جامعه‌های محلی، کسب‌وکارهای مرتبط با گردشگری درآمدی را برای افراد به وجود آورد که در نهایت سبب افزایش بهبود چهره مقصد و جامعه محلی شود (Giles et al. 2013). با این حال بعضی مواقع امکان تفکیک قائل شدن میان اثرهای مثبت و منفی محیط زیستی وجود ندارد؛ زیرا ممکن است بروز پیامدی (چه مثبت و چه منفی)، حاصل مجموعه‌ای

مثبت میان گردشگران و مردم مقصد روی نخواهد داد، بلکه خصومت جای این تعامل سازنده و مثبت را خواهد گرفت. در نتیجه درک مردم محلی نسبت به توسعه پایدار گردشگری، منفی خواهد بود. مشارکت اجتماعی بعدها متفاوتی دارد. اگر از لحاظ بعد اقتصادی مزیت‌هایی را برای مردم بومی داشته باشد، درک مردم محلی از توسعه گردشگری مثبت خواهد بود. اگر از لحاظ بعد اجتماعی مشارکت، مردم محلی در همه برنامه‌های اجتماعی به صورت داوطلبانه حضور داشته باشند، نگرش آنها نسبت به توسعه گردشگری مثبت خواهد بود (خانی و علی‌بیگی، ۱۳۹۱: ۳۰). در نتیجه اثرهای مثبت گردشگری، سبب تمایل بیشتر مردم به مشارکت می‌شود (Jackson & Inbakaran, 2006: 356). از سوی دیگر مشارکت مردم و درک آنها از گردشگری، شاخص مهمی در توسعه پایدار گردشگری محسوب می‌شود (Fun et al. 2014).

توسعه پایدار گردشگری

مفهوم توسعه پایدار گردشگری تا بیش از دو دهه در محفل‌های دانشگاهی گردشگری، جنبش وسیعی را به دنبال داشته است. به طور کلی با وجود بحث‌های فراوان درباره پایداری، همچنان این مفهوم ابزار محبوب توسعه گردشگری است (نعمت‌اللهی، ۱۳۹۴). توسعه پایدار گردشگری در راستای توسعه پایدار است (Sharpley, 2014: 42). توسعه پایدار ضمن برآورده کردن نیازهای کنونی، لطمه‌ای به منبع‌های مورد نیاز نسل‌های آینده وارد نمی‌کند (الوانی و پیروزیخت، ۱۳۸۵: ۱۰۷). کارکرد توسعه پایدار در گردشگری به سرعت در حال گسترش است (Milne, 1998: 136). سازمان جهانی جهانگردی (2013) توسعه پایدار را تأمین نیاز گردشگران زمان حال و مردم میزبان همزمان با افزایش فرصت‌هایی برای آیندگان تعریف کرده است.

در بیشتر پژوهش‌ها مفهوم توسعه پایدار گردشگری سه بعد اصلی را پوشش می‌دهد. این بعدها شامل تغییرهای اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی است (Saayman, 2009; Ryan, 2002; Joppe, 1996). از نگاه اقتصادی، افزایش

استوارند که ساکنان محلی نسبت به گردشگری نظر یکسانی دارند (Andriotis & Vaughn, 2003; Mason & Cheyne, 2000). همواره برای بررسی نگرش ساکنان محلی، چندین متغیر در نظر گرفته شده است. این متغیرها شامل سطح مشارکت در گردشگری (Palmer et al. 2013)، روند توسعه گردشگری (Stylidis & Terzidou, 2014)، کیفیت زندگی ساکنان (Kim, 2010; Grgic et al. 2002) و بحث پایداری منطقه‌های روستایی (Fun et al. 2014) بوده است. مدیریت منطقه‌های حفاظت‌شده، نقش مهمی در جامعه‌های محلی همسو با پایداری منطقه‌ها دارد. خط‌مشی این نوع مدیریت شامل مشارکت دادن جامعه محلی در مدیریت و توسعه این نوع منطقه‌ها می‌شود (Nicholas in: Nyaupane & Thapa, 2004). در این زمینه افزایش علاقه گردشگران به یادگیری و کسب تجربه فرهنگ‌های گوناگون، انگیزه‌ای برای مشارکت ساکنان مردم بومی در مدیریت منطقه‌های گردشگری است (ضیایی، ۱۳۸۸: ۷۹، ۸۰؛ Gursay et al. 2002). ویگر در پژوهشی که در شمال کامبوج انجام داده است، به این نتیجه رسیده است که مشارکت ساکنان بومی در مدیریت سایت‌های میراث جهانی، احترام و درک حفاظت از این منطقه‌ها را بیشتر می‌کند (Wager in: Nicholas et al. 2009). برای تقویت اقتصاد یک جامعه بومی، افراد محلی باید خواهان مشارکت در روند توسعه گردشگری باشند (گوهری، ۱۳۹۰: ۲۵). کالین و جنکینز معتقدند بسیاری قشرهای جامعه و اقلیت‌های نژادی که بی‌توجهی حکومت و دیگران به تاریخ و میراث خود را می‌بینند، از جامعه کناره‌گیری و عمیقاً احساس منزوی شدن و بی‌هویتی می‌کنند (کالین و جنکینز، ۱۳۸۲: ۸۰). این دو پژوهشگر به نقش دانشجویان رشته جهانگردی در برجسته کردن نقش ساختارهای قدرت برای معرفی میراث یک محل و معرفی آن به مردم محلی اشاره کرده‌اند. همان‌طور که رنجبریان و زاهدی (۱۳۸۸) اشاره کرده‌اند، اگر جامعه محلی احساس کند ممکن است چنین موضوعی اتفاق بیفتد، به احتمال بسیار قوی نسبت به گردشگران موضعی منفی در پیش خواهد گرفت. در چنین وضعیتی نه تنها تعامل فرهنگی - اجتماعی

وودز اشاره می‌کند که گرچه میان حس تعلق به یک مکان و یک جاذبه تفاوت وجود دارد، تفکیک قائل شدن میان این دو دشوار به نظر می‌رسد (Woods & McDonagh, 2011: 159).

یافته‌های دانشمندان در سال‌های اخیر، اهمیت نگرش مردم محلی نسبت به توسعه گردشگری را نشان می‌دهند. مطالعه نگرش مردم نسبت به گردشگری به بیش از ۳۵ سال پیش برمی‌گردد (Sharpley, 2014: 42). از آنجا که توسعه گردشگری به صورت چشمگیری به حسن نیت جامعه میزبان بستگی دارد، حمایت از آن در توسعه و عملکرد موفقیت‌آمیز صنعت گردشگری، امری ضروری محسوب می‌شود (Jurowski et al. 1997; Gursoy et al. 2002). از موضوع‌های بسیار مهم در تعامل میان سرزمین مقصد و گردشگران، موضوع جداسازی جامعه محلی است. بعضی مواقع مدیریت مقصدهای گردشگری، ممکن است به این سو حرکت کنند که میان گردشگران و جامعه مقصد فاصله ایجاد کنند. چنین اقدامی به هر دلیلی که باشد، مثلاً برای رضایت خاطر و راحتی گردشگران، بسیار مخاطره‌آمیز است (رنجریان و زاهدی، ۱۳۸۸: ۱۲۴). مردم زمانی در تصمیم‌های مهم فرهنگی و تاریخی شرکت می‌کنند که احساس کنند صدایشان شنیده می‌شود. مردم محلی باید به این باور رسیده باشند که می‌توانند با ورود خود به این عرصه، جامعه را متحول کنند (کالین و جنکینز، ۱۳۸۲: ۸۱). از آنجا که بیشتر ساکنان، گردشگری را نوعی ابزار توسعه اقتصادی می‌دانند، تعجب‌آور نیست که یافته‌های بیشتر مطالعه‌ها نشان می‌دهند ساکنان به طور کلی نگرش مثبتی به گردشگری دارند و از نگرش منفی آنان، موارد چندانی گزارش نشده است (Vargas-Sanchez et al. 2009: 373). به هر صورت، در مقصد گردشگری تبادلهایی اتفاق می‌افتد و برخی ساکنان عمدتاً منفعت‌هایی از گردشگری به دست می‌آورند؛ ولی برخی نیز ممکن است تنها متحمل هزینه‌های گردشگری شوند (Dyer et al. 2007). در جدول ۱ پیشینه پژوهشی مرتبط با درک ساکنان محلی آورده شده است.

بهبودسازی مزیت‌های گردشگری، کاهش هزینه‌ها، برابری در توزیع مزیت‌ها میان مردم محلی، تعادل در تراز اقتصاد مردم محلی، افزایش اثرهای چندگانه حاصل از توسعه گردشگری و در نهایت افزایش کارآفرینی میان جوانان محلی، از جنبه‌های مهم پایداری اقتصادی بوده است. پایداری محیطی بر حفاظت از محیط زیست گیاهی و جانوری تأکید دارد. به موضوع پایداری اجتماعی در مقایسه با دیگر انواع پایداری کمتر توجه شده است. این بعد پایداری به جنبه‌های ملموس‌تر اشاره دارد (Nicholas et al. 2009). پایداری اجتماعی بر مراددهای میان گردشگر و ساکنان محلی و افزایش تجربه ساکنان میزبان اشاره دارد (Brida et al. 2010). هدف کلی پایداری، ایجاد تعادل میان این سه نوع بعد پایداری است (Lee & Oneil, 2004).

از نگاه جامعه‌شناسانه، این نوع توسعه از یک سو بر تحصیلات و تعلیم و تربیت خوب و دسترسی به کالاها و خدمات و زندگی آبرومندانه تأکید دارد و از سوی دیگر به دستاوردهای سیاسی همچون امنیت و توانایی ادغام در اجتماع اشاره دارد. نتیجه چنین توسعه‌ای، کنترل نابرابری اجتماعی و کاهش فساد در جامعه است (ربیع، ۱۳۹۴: ۱۳۵). در تعریفی دیگر توسعه پایدار گردشگری، گسترش صنعت گردشگری و جذب گردشگران به یک منطقه با استفاده از منابع موجود است؛ به گونه‌ای که ضمن پاسخ‌دادن به نیازهای اقتصادی، فرهنگی و قانونی جامعه و انتظارات گردشگران، وحدت و هویت فرهنگی، سلامت محیط زیست، تعادل اقتصادی مقصد و مهمانان آنها به‌طور متوازن و پیوسته و در حد بهینه تأمین شود. در توسعه پایدار گردشگری، توسعه انعکاسی از ارزش‌ها و هنجارهایی مطرح است که جامعه آنها را قبول دارد و حرکتی برخلاف آنها از خود نشان نمی‌دهد. برنامه‌ریزان در این توسعه، سلامت روحی و جسمی انسان‌ها، حفاظت از محیط زیست و توسعه متعادل اقتصادی و اجتماعی را در نظر دارند (معصومی، ۱۳۸۵: ۱۵۹).

بدون شرکت‌دادن و حمایت جامعه محلی، میان مردم محلی و گردشگر خارجی فاصله می‌افتد (Giles et al. 2013).

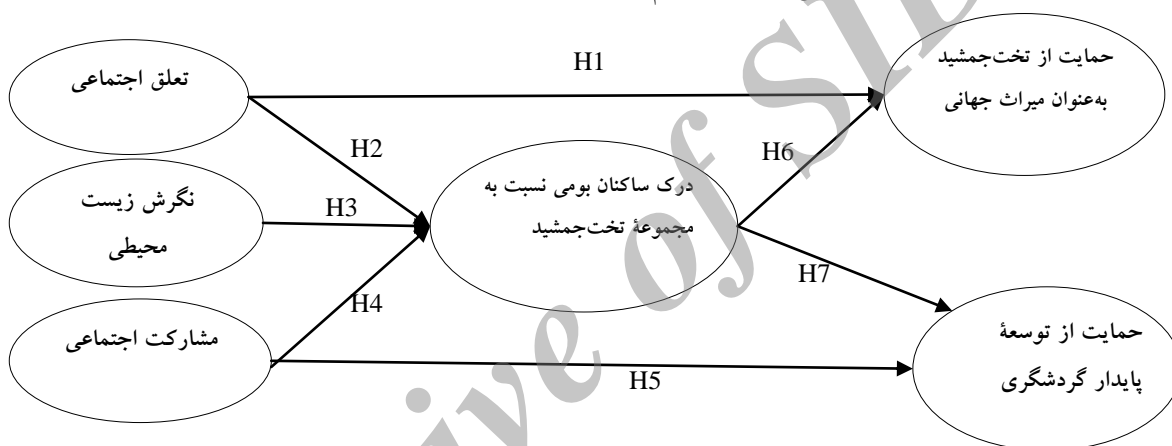
جدول ۱ - پیشینه پژوهش مرتبط با متغیرهای پژوهش

نویسندگان	نتیجه‌های پژوهش
بستارد و نادال، 2007	برخی ویژگی‌های گردشگر همچون سکونت فرد ممکن است رابطه مستقیمی با نگرش مثبت و منفی آنها از گردشگری داشته باشد؛ اما در نهایت نسبت به اثرهای مثبت گردشگری اعتقاد بیشتری دارند.
ووننام و همکاران ^۱ ، 2009 نانکو و گورسای ^۲ ، 2012	درک جامعه محلی از گردشگری، گه‌گاه با نارضایتی از حضور گردشگر همراه است. برخی افراد با سفر کردن به هویت اجتماعی‌شان پی می‌برند.
هنفیه و همکاران ^۳ ، 2013	نگرش مثبت جامعه محلی نسبت به گردشگری، افزایش سطح رضایت مردم را به همراه دارد و همین امر موجب افزایش تبلیغات دهان‌به‌دهان یک مقصد می‌شود. موفقیت یک جامعه محلی به حضور مردم در تصمیم‌گیری‌های گردشگری وابسته است. به طور کلی منفعت‌های به‌دست‌آمده هر فرد در مقصد گردشگری، رابطه مستقیمی با نگرش مثبت او دارد.
شارپلی، 2014	توسعه گردشگری یک منطقه، اثری را بررسی می‌کند که گردشگری بر نگرش مردم محلی می‌گذارد. عموماً از اثرهایی که گردشگری بر جامعه محلی می‌گذارد، زیاد گفته شده است؛ اما درباره اینکه مردم محلی به‌طور واقعی چه احساسی دارند، کمتر بحث شده است.
مینرت، 2014	با اشاره به محدودیت‌هایی که برای گروه‌های مختلف سنی وجود دارد (بچه‌ها، هزینه، وقت)، بازتاب گروه‌های مختلف ذی‌نفع را بررسی کرده و نظرات آنان را جویا شده است. توجه به آنچه گردشگران طی اقامت نیاز دارند، رضایت آنان را بیشتر می‌کند.
گورسای و همکاران، 2002	در پژوهشی با عنوان «نگرش ساکنین (رویکرد معادلات ساختاری)» که در پنج منطقه ویرجینیای آمریکا انجام شده است، بیان می‌کنند که نگرش زیست‌محیطی جامعه میزبان، به طرز رفتار گردشگران نسبت به منبع‌های زیست‌محیطی محل سکونت آنان بستگی دارد. این نگرش در نهایت به رضایت یا نارضایتی مردم بومی از کل صنعت گردشگری در منطقه منجر خواهد شد.
آکان و کووان، 2005	در این پژوهش نگرش زیست‌محیطی ساکنان میزبان گردشگری در جزیره بلک ترکیه بررسی شده است. این منطقه در نزدیکی سواحل مدیترانه و پوشیده از جنگل است. پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که مردم به‌شدت نگران مسئله‌های زیست‌محیطی اطراف این منطقه‌اند. مشارکت دوطرفه مسؤلان و مردم میزبان در تصمیم‌گیری‌ها، یکی از راه‌حل‌های پیشنهادی در بهبود این وضعیت شناخته شده است.
فان و همکاران، 2014	معتقدند نگرش جامعه بومی و درک آنها در روبه‌رو شدن با گردشگری، شاخص مهمی در توسعه پایدار گردشگری شناخته می‌شود.
اندریوتیس و واگان، 2003 میتچل و رید، 2001	معتقدند در صنعت گردشگری، دیدگاه مردم محلی درباره مزیت‌ها و هزینه‌های گردشگری، عامل مهمی در رضایت گردشگر و موقعیت این صنعت در نظر گرفته می‌شود. این دو پژوهشگر در پژوهشی با عنوان «یکپارچگی جامعه»، مشارکت مردم محلی را عاملی در بهبود صنعت گردشگری می‌دانند و اعتقاد دارند اگر مزیت‌های اقتصادی گردشگری نصیب مردم محلی شود، نقش مردم محلی نیز در برنامه‌ریزی و یکپارچگی جامعه افزایش پیدا می‌کند.
احمدی و همکاران، ۱۳۹۳	عامل‌های تأثیرگذار بر حس تعلق در فرایند بازآفرینی مسکونی اطراف حرم امام رضا (ع) را بررسی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که احساس تعلق به مکان، میان ساکنان بافت‌های کهن سبب پایداری آن منطقه می‌شود.
بیدل و محمودزاده، ۱۳۹۱	با هدف بررسی تعلق اجتماعی مردم به جامعه ایران و رابطه آن با اعتماد اجتماعی و فردگرایی، به این نتیجه رسیده‌اند که تعلق اجتماعی افراد با افزایش سن بیشتر می‌شود و افزایش بی‌اعتمادی میان مردم به تعلق اجتماعی افراد آسیب می‌زند.
زنگنه و همکاران، ۱۳۹۳	با بررسی تعلق اجتماعی و رابطه آن با مشارکت اجتماعی به این نتیجه رسیده‌اند که تعلق اجتماعی اثر معناداری بر مشارکت اجتماعی افراد دارد و راهی برای بهسازی محله‌های قدیمی محسوب می‌شود.
مبارکی و صلاحی، ۱۳۹۱	در پژوهشی با عنوان «کیفیت خدمات شهری، تعهدات شهروندی و حس تعلق اجتماعی» که در منطقه ۱۰ شهرداری تهران انجام شده است، به این نتیجه رسیده‌اند که حس تعلق اجتماعی، با بهبود برنامه‌ریزی دستگاه‌های دولتی (مانند شهرداری) افزایش پیدا می‌کند. این پژوهشگران رابطه محکمی میان تعلق اجتماعی و کیفیت خدمات شهری پیدا کرده‌اند.
مک‌کول و مارتین، 1994	معتقدند تعلق اجتماعی، با مشارکت اجتماعی ترکیب می‌شود و در زندگی انسان‌ها نقش ایفا می‌کند.

¹ Woosnam et al.² Nunkoo & Gursay³ Hanafiah et al.

مجموعه تخت جمشید دارد.
 H5- میزان مشارکت ساکنان، تأثیر مثبتی بر حمایت از توسعه پایدار گردشگری در مجموعه تخت جمشید دارد.
 H6- درک مردم محلی نسبت به مجموعه بر حمایت از تخت جمشید به عنوان میراث جهانی تأثیر می گذارد.
 H7- درک مردم محلی نسبت به مجموعه بر حمایت از توسعه پایدار گردشگری تأثیر می گذارد.
 در این زمینه و براساس مبانی نظری پژوهش و برای درک ساده تر، الگوی مفهومی به صورت زیر طراحی شده است:

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه های پژوهش به صورت زیر ارائه می شوند:
 H1- تعلق اجتماعی، بر حمایت ساکنان روستاها از مجموعه تخت جمشید که میراثی جهانی است، تأثیر مثبتی دارد.
 H2- تعلق اجتماعی بر درک مردم محلی نسبت به مجموعه تخت جمشید تأثیر مثبتی دارد.
 H3- نگرش زیست محیطی مردم محلی، بر درک مردم نسبت به تخت جمشید تأثیر مثبتی دارد.
 H4- میزان مشارکت ساکنان، تأثیر مثبتی بر درک مردم از



شکل ۱ - الگوی مفهومی پژوهش

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ گردآوری داده ها از نوع مطالعه های توصیفی - پیمایشی است که به دو شکل مطالعه های اسنادی - کتابخانه ای و بررسی های میدانی انجام شده است؛ بدین ترتیب که ابتدا جهت روشن شدن پیشینه موضوع پژوهش و تدوین مبانی نظری آن، از مطالعه های نظری بهره گرفته شد که با رجوع به کتابخانه ها و استفاده از کتابها و مقاله ها، مرحله اول پژوهش به انجام رسید. در ادامه برای یافتن پاسخ سؤال پژوهش و دستیابی به هدف های مورد نظر، پرسش نامه در زمینه موضوع بررسی شده تدوین شد. پرسش نامه ها پس از تکمیل شدن توسط اهالی، تجزیه و تحلیل شدند. روش نمونه گیری، طبقه ای تصادفی است. از نتیجه های این پژوهش،

در تصمیم گیری ها و سیاست گذاری های جامعه های محلی منطقه نمونه می توان استفاده کرد؛ بنابراین این پژوهش از لحاظ هدف در حوزه پژوهش های کاربردی قرار گرفته است و مبتنی بر الگوی معادلات ساختاری است. این الگو شاخص های رابطه ها و کل الگو را به خوبی تبیین می کند. یکی از کاربردهای مهم این نوع الگو، به کارگیری رابطه های چندگانه مربوط به هریک از متغیرهای وابسته است. الگوسازی معادلات ساختاری، مجموعه ای از معادلات رگرسیون چندگانه را با تعیین الگوی ساختاری استفاده شده در نرم افزار LISREL به طور همزمان پیش بینی می کند (نعمت الهی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۸).

جامعه آماری شامل روستاهای نمونه دهستان کناره بوده

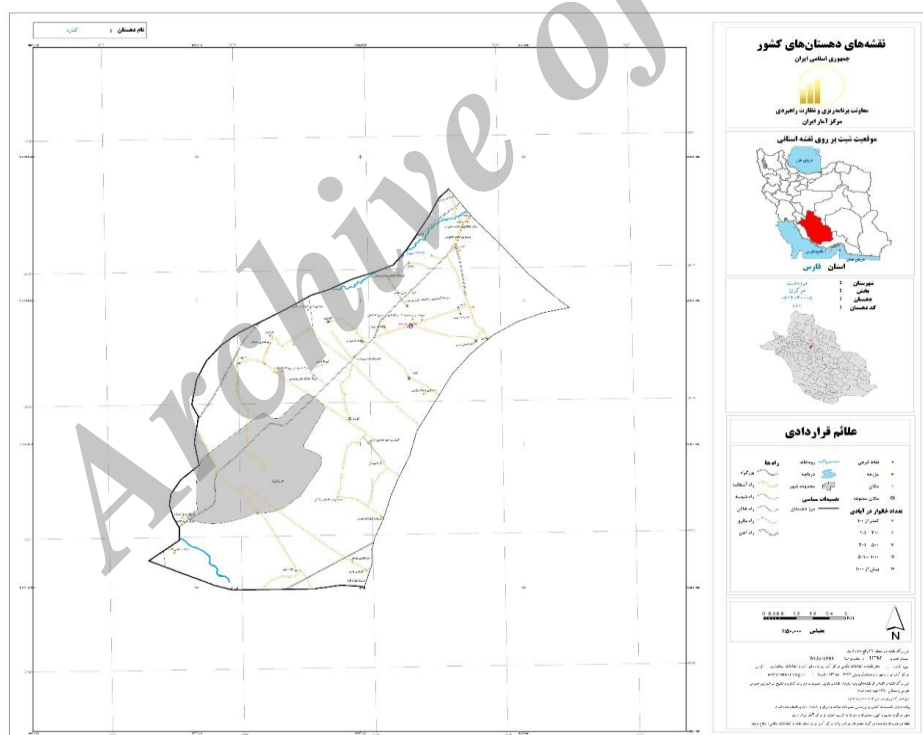
است. پنج روستای نزدیک به مجموعه تخت‌جمشید که شامل کناره، جلیان، فیروزی، شهرک مهدیه و شهرک ولی‌عصر می‌شوند، برای نمونه آماری انتخاب شدند. با استفاده از فرمول کوکران، ۳۷۴ نفر برای نمونه آماری انتخاب شدند. تعداد ۴۰۰ پرسش‌نامه میان اهالی توزیع شد که در نهایت ۳۸۵ پرسش‌نامه تکمیل و جمع‌آوری شد و همین تعداد مبنای تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در جدول ۲ وضعیت طبقه‌ها آورده شده است. برای دستیابی به جواب‌های دقیق‌تر، سعی شد پرسش‌نامه به صورت

تصادفی در بخش‌های مختلفی از روستاها توزیع شود. برای پاسخ‌گویی به گویه‌های تدوین‌شده، از مقیاس لیکرت استفاده شد و به آنها از ۱ تا ۵، امتیاز داده شد. متغیر درک مردم بومی شامل ۷ سؤال است. متغیر تعلق اجتماعی با استفاده از ۴ سؤال، متغیر گرایش زیست‌محیطی ساکنان با ۲ سؤال، سطح مشارکت با ۲ سؤال، حمایت ساکنان از مجموعه به‌عنوان میراث جهانی با ۳ سؤال و حمایت ساکنان از توسعه پایدار گردشگری در مجموعه با ۶ سؤال سنجیده شدند.

جدول ۲ - جامعه و نمونه آماری

روستاها	کناره	جلیان	فیروزی	شهرک مهدیه	شهرک ولی‌عصر	جمع
جمعیت	۶۵۳۶	۶۹۶	۲۸۹۸	۲۶۵۸	۱۲۲۳	۱۴۰۱۱
نمونه آماری	۱۸۰	۲۰	۷۹	۷۳	۳۳	۳۸۵

منبع: سرشماری عمومی نفوس و مسکن، مرکز ملی آمار (۱۳۹۰)



شکل ۲ - نقشه محدوده مطالعه‌شده (منبع: مرکز ملی آمار، نقشه دهستان‌های کشور)

در پژوهش حاضر برای سنجش پایایی پرسش‌نامه، از آلفای کرونباخ استفاده شده است. با توجه به جدول ۳ تمام ضریب‌های آلفای کرونباخ از ۰/۷ بیشتر است که نشان می‌دهد پرسش‌نامه، پایایی بالایی دارد. در بررسی روایی پرسش‌نامه،

از روایی محتوا و روایی سازه استفاده شده است. برای بررسی روایی محتوا و روایی ظاهری، پرسش‌نامه اولیه در اختیار جمعی از استادان و کارشناسان قرار داده شد. پس از جمع‌آوری نظرهای اصلاحی خبرگان و اعمال آنها، پرسش‌نامه

طبق نتیجه‌های به‌دست‌آمده، ۷۹ درصد از شرکت‌کنندگان در این پژوهش آقا و ۲۱ درصد از آنها خانم بوده‌اند. بیشترین افراد شرکت‌کننده در گروه سنی ۲۰ تا ۲۵ سال قرار داشتند. بیشترین شرکت‌کنندگان در گروه تحصیلی دیپلم با ۳۸ درصد و کمترین آنها در کارشناسی ارشد با ۳ درصد بوده‌اند. شغل بیشتر اهالی این روستاها، «آزاد» بوده است (حدود ۳۰ درصد)؛ پس از آن بیشتر اهالی، محصل و درصد کمی از آنها دامدار و کشاورز بوده‌اند. در پژوهش حاضر از دو نرم‌افزار SPSS و LISREL برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. قبل از بررسی رابطه‌های میان متغیرهای پژوهش، ابتدا لازم است از روایی سؤال‌های پژوهش برای سنجش متغیرهای پژوهش اطمینان حاصل کرد؛ بنابراین در این قسمت، الگوهای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش بررسی شده است. در جدول ۴ و ۵ بار عاملی و گویه‌های پرسش‌نامه آورده شده است.

برای توزیع نهایی آماده شد. در بررسی فرضیه پژوهش، از الگوی معادلات ساختاری استفاده شده است. برای سنجش روایی سازه از بخش اندازه‌گیری الگوی تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده است. درباره بررسی فرضیه پژوهش نیز از بخش ساختاری الگوی تحلیل مسیر بهره گرفته شد.

جدول ۳ - شاخص‌های پایایی و میانگین متغیرها

متغیر	آلفای کرونباخ	میانگین	انحراف معیار
تعلق اجتماعی	۰/۸۷	۲/۸۰	۰/۹۲۳
نگرش زیست‌محیطی	۰/۹۲	۲/۷۱	۰/۸۲۸
مشارکت اجتماعی	۰/۷۵	۲/۷۳	۰/۷۴۸
درک ساکنان	۰/۸۵	۲/۷۳	۰/۷۴۸
حمایت به‌عنوان میراث جهانی	۰/۸۵	۳/۱۵	۰/۸۳۰
حمایت از توسعه پایدار	۰/۸۰	۳/۲۳	۰/۸۰۸

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

جدول ۴ - بار عاملی و اعداد معناداری سؤال‌های پژوهش

متغیر	سؤال‌ها	بار عاملی	عدد معناداری
تعلق اجتماعی	سؤال ۱	۰/۸۰	۱۸/۴۴
	سؤال ۲	۰/۹۰	۲۱/۸۶
	سؤال ۳	۰/۷۷	۱۷/۴۴
	سؤال ۴	۰/۷۵	۱۶/۷۲
	سؤال ۵	۰/۸۸	۲۰/۵۸
نگرش زیست‌محیطی	سؤال ۶	۰/۹۵	۲۳/۳۰
	سؤال ۷	۰/۵۲	۴/۵۶
	سؤال ۸	۱/۱۵	۴/۹۷
	سؤال ۹	۰/۴۸	۹/۳۱
	سؤال ۱۰	۰/۴۷	۹/۲۶
مشارکت اجتماعی	سؤال ۱۱	۰/۷۳	۱۵/۸۱
	سؤال ۱۲	۰/۸۰	۱۷/۹۸
	سؤال ۱۳	۰/۷۵	۱۶/۵۲
	سؤال ۱۴	۰/۷۰	۱۴/۹۳
	سؤال ۱۵	۰/۷۱	۱۵/۱۳
درک مردم محلی	سؤال ۱۶	۰/۸۰	۱۸/۲۰
	سؤال ۱۷	۰/۸۵	۲۰/۱۶
	سؤال ۱۸	۰/۷۵	۱۶/۶۸
	سؤال ۱۹	۰/۸۴	۱۹/۷۰
	سؤال ۲۰	۰/۴۷	۹/۲۲
حمایت به‌عنوان میراث جهانی	سؤال ۲۱	۰/۴۵	۸/۹۴
	سؤال ۲۲	۰/۷۲	۱۴/۷۷
	سؤال ۲۳	۰/۸۶	۱۸/۳۶
	سؤال ۲۴	۰/۷۲	۱۴/۷۴
	سؤال ۲۵	۰/۷۲	۱۴/۷۴
حمایت از توسعه پایدار	سؤال ۲۶	۰/۷۲	۱۴/۷۴
	سؤال ۲۷	۰/۷۲	۱۴/۷۴

جدول ۵ - متغیرها و گویه‌های پرسش‌نامه

متغیر	گویه
تعلق اجتماعی	چه میزان تداوم ارزش‌ها و سنت‌های روستایی که در آن زندگی می‌کنید، برای شما اهمیت دارد؟ برای روستایی که در آن زندگی می‌کنید، چه میزان ارزش قائلید؟ چه میزان نسبت به مجموعه تخت‌جمشید و روستایی که در آن زندگی می‌کنید، تعلق خاطر دارید؟ تا چه میزان اتفاق‌هایی که در این روستا می‌افتد، برای شما مهم است؟
گرایش زیست‌محیطی	تا چه میزان حضور گردشگران سبب آسیب‌زدن به محیط پیرامون تخت‌جمشید شده است؟ تا چه میزان با حفاظت از محیط اطراف مجموعه در زمان حال و آینده موافق‌اید؟
مشارکت اجتماعی	به نظر شما تا چه میزان مشارکت شما در مدیریت مجموعه تخت‌جمشید اهمیت داشته است؟ به نظر شما تا چه میزان مشارکت شما در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با مجموعه تخت‌جمشید اهمیت دارد؟ اگر در اینجا تخت‌جمشید نداشته باشیم، بهتر خواهد بود.
درک ساکنان بومی نسبت به تخت‌جمشید	باید از تخت‌جمشید در جهت نگهداری و معرفی آن برای نسل‌های آینده کوشا بود. وجود مجموعه تخت‌جمشید برای مردم روستا هیچ شغلی را فراهم نمی‌کند. وجود تخت‌جمشید برای من سبب بروز مشکل‌های زیادی شده است. درختان اطراف تخت‌جمشید و بوستان جنگلی آنجا باید باقی بماند. مجموعه تخت‌جمشید بسیار وسیع است و فضای زیادی را اشغال کرده است. ساکنان روستا در معرفی مجموعه تخت‌جمشید به گردشگران نقش مهمی دارند. میزان مشارکت محلی در برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری مرتبط با مجموعه چقدر بوده است؟ به نظر شما تعامل‌های فرهنگی میان مردم منطقه و گردشگران تا چه میزان سبب افزایش اطلاعات و دانش عمومی مردم منطقه خواهد شد؟
حمایت ساکنان از توسعه گردشگری پایدار	همکاری و تأثیرگذاری شما در توسعه و برنامه‌ریزی گردشگری در مجموعه تخت‌جمشید چه میزان بوده است؟ ضابطه‌ها و مقررات جهت حفاظت از محیط زیست در تخت‌جمشید تا چه میزان رعایت می‌شود؟ نحوه آموزش و ترویج برنامه‌های حفاظتی نسبت به مجموعه تخت‌جمشید و محیط اطراف شما تا چه میزان تأثیرگذار بوده است؟ گردشگری در مجموعه را تا چه میزان برنامه‌ریزی شده، قانون‌مند و آینده‌نگر می‌بینید؟ به نظر شما معرفی تخت‌جمشید به‌عنوان میراث جهانی چه میزان سبب بهبود زندگی شما شده است؟ اقدام‌های محافظتی و قانون‌ها و مقررات مربوط به حفاظت محیطی از تخت‌جمشید چه میزان مؤثر بوده است؟
حمایت از تخت‌جمشید به‌عنوان میراث جهانی	ثبت تخت‌جمشید در فهرست میراث جهانی تا چه میزان در اشاعه این مجموعه کمک کرده است؟

میانگین متغیرهای تعلق اجتماعی (ATC)، نگرش زیست‌محیطی (ENV)، مشارکت اجتماعی (INV) و درک مردم محلی (PER) کمتر از حد متوسط است؛ ولی متغیرهای حمایت به‌عنوان میراث جهانی (SUP) و حمایت از توسعه پایدار (SUS) بالاتر از حد متوسط است. همان‌طور که نتیجه‌های جدول ۶ نشان می‌دهند، میان تمام متغیرهای پژوهش ارتباط دوه‌دو مثبت و معناداری وجود دارد. سطح معناداری تمام متغیرهای پژوهش کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین فرض صفر رد و فرض یک یعنی وجود ارتباط معنادار تأیید می‌شود.

نتیجه‌های تحلیل عاملی تأییدی نشان می‌دهند تمام سؤال‌ها، روایی لازم برای سنجش متغیرهای پژوهش را دارند. معیار تأیید یا رد روایی سؤال‌هایی که یک متغیر را می‌سنجند، میزان عدد معناداری آن است. چنانچه عدد معناداری بزرگ‌تر از ۱/۹۶ یا کوچک‌تر از ۱-۹۶ باشد، نشان می‌دهد آن سؤال برای سنجش بعد موردنظر مناسب است؛ اما اگر عدد معناداری در بازه بالا باشد، سؤال یادشده برای سنجش بعد موردنظر مناسب نیست. براساس نتیجه‌های به‌دست‌آمده از آزمون T تک‌نمونه‌ای،

جدول ۶ - ضریب همبستگی پیرسون جهت بررسی ارتباط میان متغیرهای پژوهش

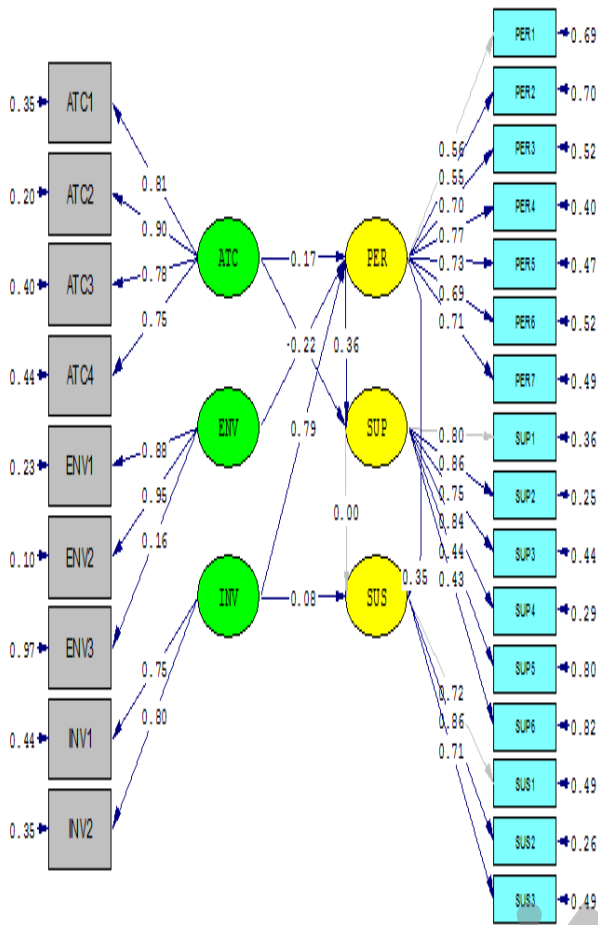
متغیر	ضریب	تعلق اجتماعی	نگرش زیست محیطی	مشارکت اجتماعی	درک ساکنان	حمایت به عنوان میراث جهانی	حمایت از توسعه پایدار
تعلق اجتماعی	ضریب پیرسون سطح معناداری	۱	-	-	-	-	-
نگرش زیست محیطی	ضریب پیرسون سطح معناداری	۰/۶۳۳	۱	-	-	-	-
مشارکت اجتماعی	ضریب پیرسون سطح معناداری	۰/۱۷۸	۰/۳۸۹	۱	-	-	-
درک ساکنان	ضریب پیرسون سطح معناداری	۰/۱۷۸	۰/۳۸۹	۰/۱۰۰	۱	-	-
حمایت به عنوان میراث جهانی	ضریب پیرسون سطح معناداری	۰/۳۳۰	۰/۳۰۶	۰/۳۷۷	۰/۳۷۷	۱	-
حمایت از توسعه پایدار	ضریب پیرسون سطح معناداری	۰/۳۶۹	۰/۳۳۵	۰/۳۴۴	۰/۳۴۴	۰/۵۶۲	۱

از جدول ۷ اینگونه نتیجه گرفته می شود که الگوی مفهومی پژوهش حاضر، تناسب مناسبی با داده های جمع آوری شده دارد. شاخص های برازش مناسب الگو شامل GFI (شاخص نیکویی برازش)، AGFI (شاخص تعدیل شده نیکویی برازش)، CFI (شاخص برازش مقایسه ای) و RMR (ریشه میانگین توان دوم باقی مانده) است. نتیجه های به دست آمده نشان می دهد الگوی مفهومی پژوهش، با داده های جمع آوری شده تناسب دارد.

برای بررسی و آزمون الگوی مفهومی ارائه شده از روش الگوی معادلات ساختاری استفاده شده است. بعد از بررسی الگوهای اندازه گیری و سنجش روایی آنها به کمک تحلیل عاملی تأییدی، رابطه های میان متغیرهای پژوهش براساس الگوی ساختاری بررسی شده است. از آنجا که الگوی مفهومی پژوهش رابطه های علی میان متغیرها را بررسی کرده است، برای فراهم شدن امکان تحلیل همزمان رابطه های متغیرها و برای بررسی درستی و نادرستی فرضیه های پژوهش، از رابطه های علی مبتنی بر الگوسازی معادلات ساختاری استفاده شده است.

جدول ۷ - شاخص‌های برازش الگو

شاخص	آماره الگوی فرضیه اصلی	مقدار پیشنهاد شده
X^2/DF	۴/۹	<5
RMSEA ^۱	۰/۰۸۵	<0.06 (JORESKONG AND SORBOM, 1996)
RMR ^۲	۰/۱۶	<0.08 (BENTLER, 1990)
NFI ^۳	۰/۸۶	>0.90 (FORNEL AND LARCKER, 1981)
NNFI ^۴	۰/۸۶	>0.90 (BAGOZZI AND YI, 1988)
CFI ^۵	۰/۸۳	>0.90 (JORESKONG AND SORBOM, 1996)
GFI ^۶	۰/۸۳	>0.80 (BAGOZZI AND YI, 1988)
AGFI ^۷	۰/۶۷	>0.80 (ETEZADI-AMOLI AND FARHOOMAND, 1996)



Chi-Square=1320.64, df=265, P-value=0.00000, RMSEA=0.085

شکل ۳ - بررسی الگو در حالت ضریب‌های استاندارد

برای بررسی برازش الگوی مفهومی از هشت شاخص متداول به همراه مقدار پذیرفتنی هر شاخص پیشنهاد شده در پژوهش‌های پیشین استفاده شد. شاخص‌های برازش، میزان شایستگی الگوی مفهومی پژوهش را در سنجش جامعه موردنظر پژوهش نشان می‌دهند؛ به عبارت دیگر، نشان می‌دهند تا چه اندازه داده‌های جمع‌آوری شده از الگوی پژوهش حمایت می‌کنند. نکته مهم آن است که پارامترهای تأثیرگذار بر این شاخص‌ها متفاوت‌اند؛ برای مثال برخی از آنها به شدت به حجم نمونه حساس‌اند؛ بنابراین درباره تناسب الگو باید به تمام شاخص‌ها نگرسته شود و پایین بودن شاخص‌های برازش الگو در یک یا چند شاخص، به معنای تناسب‌نداشتن الگو نیست (بلوچی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۵).

¹ Root Mean Square Error of Approximation

² Root Mean Square Residual

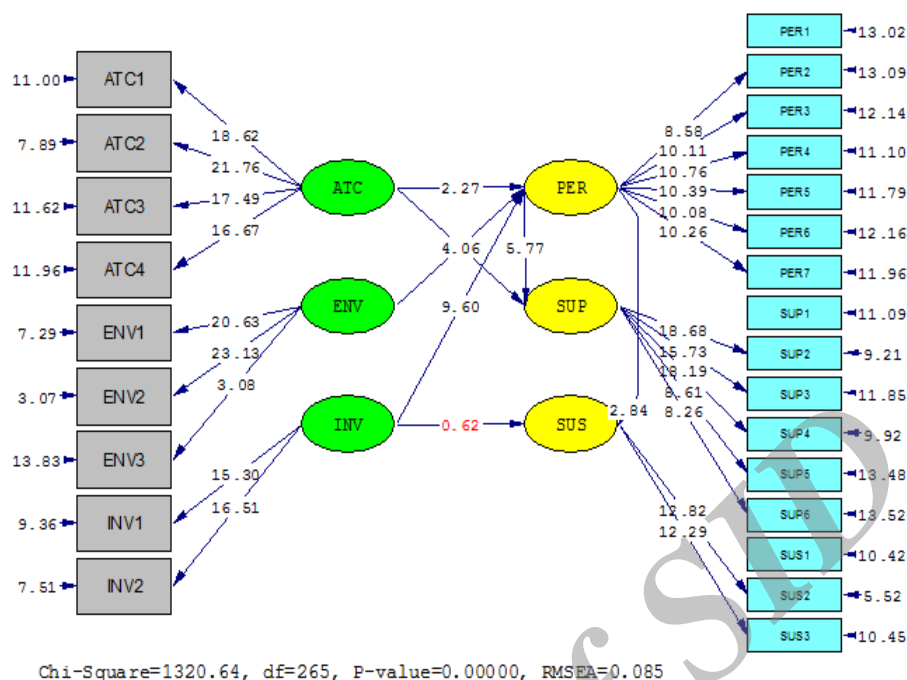
³ Normed Fit Index

⁴ Non - Normed Fit Index

⁵ Comparative Fit Index

⁶ Goodness of Fit Index

⁷ Adjusted Goodness of Fit Index



شکل ۴ - بررسی الگو در حالت ضریب‌های معناداری

شده‌اند؛ بنابراین با توجه به الگوی اولیه پژوهش، تأثیر میزان مشارکت ساکنان بر حمایت از توسعه پایدار در مجموعه رد شده است. در نتیجه تأثیر مشارکت ساکنان بر حمایت از توسعه پایدار مجموعه نادیده گرفته می‌شود و الگوی اولیه پژوهش بدون داشتن این رابطه فرض می‌شود.

میزان معناداری براساس نقطه‌های بحرانی، $1/96$ و $-1/96$ تعیین می‌شود؛ بدین ترتیب که چنانچه میزان ضریب معناداری بیشتر از $1/96$ یا کمتر از $-1/96$ باشد، فرض صفر پذیرفته و وجود رابطه معنادار تأیید می‌شود. با توجه به این مقادیر در جدول ۸ وضعیت فرضیه‌های پژوهش آمده است. نتیجه‌ها نشان می‌دهند همه فرضیه‌های پژوهش به جز فرضیه ۵ تأیید

جدول ۸ - نتیجه‌های فرضیه‌های پژوهش

فرضیه	میزان تأثیر	عدد معناداری	وضعیت فرضیه
۱. تعلق اجتماعی بر حمایت ساکنان روستاها از مجموعه تخت جمشید به‌عنوان یک میراث جهانی تأثیر مثبتی دارد.	۰/۲۲	۴/۰۶	تأیید
۲. تعلق اجتماعی بر درک مردم محلی نسبت به مجموعه تخت جمشید تأثیر مثبتی دارد.	۰/۱۷	۲/۲۷	تأیید
۳. نگرش زیست‌محیطی ساکنان محلی بر درک آنها نسبت به تخت‌جمشید تأثیر مثبتی دارد.	-۰/۲۲	۴/۰۶	تأیید
۴. میزان مشارکت ساکنان تأثیر مثبتی بر درک از مجموعه تخت‌جمشید دارد.	۰/۷۹	۹/۶۰	تأیید
۵. میزان مشارکت ساکنان تأثیر مثبتی بر حمایت از توسعه پایدار گردشگری در مجموعه تخت‌جمشید دارد.	۰/۰۸	۰/۶۲	تأییدنشدن
۶. درک مردم محلی نسبت به مجموعه بر حمایت از تخت‌جمشید به‌عنوان میراث جهانی تأثیر مثبت دارد.	۰/۳۶	۵/۷۷	تأیید
۷. درک مردم محلی نسبت به مجموعه بر حمایت از توسعه پایدار گردشگری تأثیر مثبت دارد.	۰/۳۵	۲/۸۴	تأیید

نتیجه

امروزه هدف اصلی برنامه‌های مبتنی بر توسعه و حفظ و ترویج فرهنگ مردمی، ایجاد راهبردهای مشارکتی به‌ویژه در حوزه جامعه‌های محلی است. بی‌تردید با مشارکت جامعه‌های محلی در زمینه توسعه گردشگری نه تنها از کم‌رنگ شدن هویت اجتماعی و فرهنگی این جامعه‌ها جلوگیری می‌شود بلکه برای تقویت آن نیز همت گماشته می‌شود.

در این پژوهش متغیرهای تأثیرگذار بر درک ساکنان محلی نسبت به مجموعه تاریخی تخت جمشید بررسی شده است. ابتدا پیشینه موضوعی تعلق اجتماعی، نگرش زیست‌محیطی، مشارکت اجتماعی، حمایت ساکنان از تخت جمشید به‌عنوان میراث جهانی و توسعه پایدار در این منطقه تشریح شد. سپس هرکدام از این عوامل را در ارتباط با درک ساکنان محلی بررسی شد. نتیجه‌های پژوهش نشان دادند از میان متغیرهایی که بر درک ساکنان تأثیر می‌گذارند، مشارکت اجتماعی با ضریب تأثیر ۰/۷۹ بیشترین تأثیر را دارد. متغیرهای نگرش زیست‌محیطی با ضریب تأثیر ۰/۲۲-، تأثیر منفی و معنادار و تعلق اجتماعی با ضریب تأثیر ۰/۱۷، تأثیر مثبت و معناداری بر درک ساکنان نسبت به مجموعه تخت جمشید دارند.

مردم در یک جامعه محلی حق دارند از اتفاق‌هایی که در اجتماع آنها می‌افتد، باخبر باشند. آنها با شرکت کردن در جلسه‌های گروهی که انجمن‌ها یا شوراهای شهر تشکیل می‌دهند، نظرهای خود را مطرح می‌کنند. آنان نیازهای خود را در اجتماع‌های محلی ارائه می‌کنند و درباره اولویت‌ها سخن می‌گویند. گاه در این مرحله کمیته‌ها یا ساختارهایی شکل می‌گیرد. وارد شدن در این فرایند، به معنای توانمند شدن مردم در جامعه محلی است. اگر شناسایی نیاز مردم در سطح محلی توسط خود آنان به اقدام محلی منجر شود، سبب مشارکت برای برآورده شدن نیازها می‌شود؛ در عین حال ممکن است نیاز، به تقاضا یا مطالبه منجر شود؛ اما مشارکتی را به وجود نیاورد. در تمام جریان مشارکت، تلاش تسهیل‌گر این است که مردم محلی نیازهای خود را بشناسند، اولویت بندی کنند و

خود برنامه‌ای را برای تحقق آن نیاز طراحی کنند؛ بدون اینکه نیازها تبدیل به مطالبه‌ها شوند. در واقع نتیجه فعالیت‌های توانمندسازی محلی، باید اقدام محلی برای رفع نیازهای محلی باشد. ساکنان باید به این باور رسیده باشند که می‌توانند با ورود خود به این عرصه جامعه را متحول کنند. در جامعه‌هایی که انواع محدودیت را بر افراد تحمیل می‌کنند، فرد ممکن است از مشارکت در فعالیت سیاسی یا عمومی خودداری کند. طبیعت ساختار اجتماعی (آموزش، اقتصاد و ارزش‌ها) و تأثیر آن بر مشارکت، کوتاهی اجتماع در تأمین نیازهای فرد، نداشتن امنیت، نبودن عدالت، اختصاص ندادن فرصت‌های برابر و نگرانی نکردن از شأن انسانی از اصلی‌ترین عامل‌هایی‌اند که مانع مشارکت مردم می‌شوند؛ بنابراین مشارکت اجتماعی عامل مهمی در نگرش و درک مردم محلی نسبت به مجموعه تخت جمشید است. نتیجه‌های این پژوهش نشان دادند مشارکت اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری بر درک ساکنان محلی در روستاهای نمونه دارد.

در حال حاضر نگرش زیست‌محیطی مردم محلی نسبت به مجموعه تخت جمشید اهمیت زیادی دارد. اتفاق‌هایی که در سال‌های اخیر در نزدیکی مجموعه و در همسایگی روستاها افتاده است، نگرانی بیشتر مردم را در پی داشته است. مردم باید با شرکت در جلسه‌های گروهی در روستاهای نمونه، روند محیطی در محوطه تخت جمشید و خارج از محوطه را بررسی و راهکارهای مقابله با آنها را ارائه کنند. مشکل‌هایی همچون آتش‌زدن زمین‌های کشاورزی پس از برداشت محصول توسط کشاورزان، از مواردی است که با مشورت مردم بومی برطرف می‌شود. حفاظت از اثرهای تاریخی یک کشور در ذهن‌ها اتفاق می‌افتد و باید با آگاهی مردم نسبت به ارزش میراث فرهنگی خود، در حفظ آنها کوشا بود. برای رسیدن به چنین هدفی از ابزار رسانه برای آگاهی‌بخشی به مردم استفاده می‌شود. نتیجه‌های پژوهش حاضر نشان دادند نگرشی که ساکنان محلی نسبت به مجموعه دارند، تأثیر منفی و معناداری بر درک آنها از تخت جمشید دارد.

وجود دارد. ساکنانی که گردشگران را خطری برای محیط خود قلمداد می‌کنند، با توسعه آن مخالفت می‌کنند. از سوی دیگر جامعه‌های میزبانی که گردشگران را عاملی برانگیزاننده برای رشد و توسعه و حفظ محیط خود می‌دانند، خود به حمایتگر آن تبدیل می‌شوند. اگر جامعه محلی احساس کند چنین موضوعی در حال رخ دادن است، به احتمال بسیار قوی نسبت به گردشگران موضعی منفی در پیش خواهد گرفت. در چنین وضعیتی نه تنها تعامل فرهنگی - اجتماعی مثبت میان گردشگران و مردم مقصد روی نخواهد داد، بلکه خصومت جای این تعامل سازنده و مثبت را خواهد گرفت. شرایط مطلوب زمانی به وجود می‌آید که بازدیدکنندگان و ساکنان کشور میزبان، از جنبه اجتماعی شناخت بهتری از یکدیگر پیدا کنند و با هم مانوس شوند. این شرایط سبب می‌شود هریک از آنها از کیفیت و ویژگی‌های شخصیتهای یکدیگر آگاهی بیشتری پیدا کنند و به یکدیگر احترام بگذارند. این قسمت از نتیجه‌های پژوهش با پژوهش مورفی (1985) همسوست؛ از آن جهت که گردشگری را یک فعالیت اجتماعی - فرهنگی می‌داند که هم مردم محلی و هم گردشگر از آن بهره می‌برند. درک ساکنان محلی با ضریب تأثیر ۰/۳۶، بر حمایت از مجموعه تخت جمشید به عنوان میراث جهانی تأثیر دارد و با توجه به عدد معناداری این متغیر، فرضیه ۶ پژوهش تأیید می‌شود. با توجه به اینکه تخت جمشید اثر ثبت شده سازمان یونسکو است، نگاهی که مردم روستاها به این مجموعه دارند، سبب به وجود آمدن حس افتخار و تقویت حس تعلق آنان نسبت به این مجموعه شده است. نتیجه‌های پژوهش نشان دادند ساکنان بومی نسبت به توسعه پایدار گردشگری در مجموعه تخت جمشید نظر مثبتی دارند؛ اما همان طور که فرضیه ۵ نشان داد با وجود اینکه رابطه‌ای میان مشارکت اجتماعی آنان در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و توسعه پایدار گردشگری وجود نداشته است، درک ساکنان بومی نسبت به این مجموعه مسیر توسعه پایدار گردشگری در این منطقه را هموار می‌کند؛ بنابراین درک ساکنان بومی نسبت به مجموعه

ارزش‌های هویتی، نشان‌دهنده پیوندهای عاطفی جامعه با میراث فرهنگی اند. ساکنان بومی نسبت به مکان تولد، میراث و هویت مردم خود تعلق خاطر زیادی دارند. اثرهایی که داخل و خارج از کشور شناخته شده‌اند، نشان‌دهنده تاریخ و هویت یک جامعه اند. مردمی که در همسایگی مجموعه تخت جمشید زندگی می‌کنند، نسبت به وجود این مجموعه احساس اقتخار و سربلندی می‌کنند و آن را عاملی در تعلق اجتماعی خود می‌دانند. در واقع تعلق اجتماعی فرد نسبت به یک مکان با ارزش قائل شدن، قدردانی و وفاداری نسبت به آن شناخته می‌شود. این مفهوم نقش بسیار مهمی را در نگرش مردم محلی و مشارکت آنان در فرایند توسعه پایدار دارد. نتیجه‌های پژوهش نشان دادند متغیر تعلق اجتماعی با ضریب تأثیر ۰/۲۲، تأثیر مثبت و معناداری بر درک مردم محلی و حمایت از مجموعه تخت جمشید به عنوان میراث جهانی دارد. بدون شک تعلق اجتماعی نقشی کلیدی در همسوسازی تصمیم‌های توسعه منطقه‌ها و حفاظت از مجموعه تخت جمشید دارد.

فرضیه ۵ پژوهش رابطه میان مشارکت اجتماعی ساکنان و حمایت از توسعه پایدار گردشگری را بررسی کرده است. عدد معناداری این رابطه، ۰/۶۲ است که نشان می‌دهد مشارکت اجتماعی تأثیر چندانی بر حمایت از توسعه پایدار مجموعه نداشته است.

از نشانه‌های توسعه پایدار در مجموعه‌های فرهنگی، رفاه اقتصادی و افزایش اشتغال است. افزایش صنعت گردشگری باید بتواند برای جامعه میزبان شغل ایجاد کند. بیشتر پاسخ‌دهندگان اظهار داشتند گردشگری تا حدودی توانسته است شغل‌های جانبی را برای روستاییان ایجاد کند؛ ولی این مقدار کافی نبوده است و نتوانسته است مانع بیکاری جوانان در روستاها شود. اطلاع‌نداشتن از اثرهای مثبت اقتصادی و کم‌رنگ بودن نقش آن در زندگی مردم روستاها، سبب شده است اصل‌های توسعه پایدار گردشگری تحقق نیابد گردشگران عامل دیگر توسعه پایدارند. ارتباط مستقیمی میان درک جامعه‌های محلی نسبت به گردشگری و توسعه آن

رفتاری گردشگران و تأثیر آنها بر کیفیت مقصد در مجموعه تخت‌جمشید بررسی شود.

سپاس‌گزاری

از مردم و دهیاری روستاهای کناره، جلیان، فیروزی، شهرک مهدیه و شهرک ولی‌عصر شهرستان مرودشت استان فارس به سبب یاری‌رساندن در توزیع پرسش‌نامه سپاسگزاریم.

منابع

احمدی، ف.؛ افشار، ع. و آقالطیفی، آ. (۱۳۹۳). «عوامل تأثیرگذار بر حس تعلق در فرایند بازآفرینی در بافت مسکونی اطراف حرم حضرت امام رضا (ع)، محله نوغان»، *نشریه هفت شهر*. د ۴، ش ۴۷ و ۴۸، ص ۷۰-۸۴.

الوانی، م. و پیروزبخت، م. (۱۳۸۵). *فرایند مدیریت جهانگردی*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

بلوچی، ح.؛ اسفیدانی، م. و عمویی‌اوجاکی، ع. (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر تنوع‌طلبی و تازگی‌طلبی گردشگران بر نیت‌های بازدیدشان (مورد مطالعه: گردشگران شهر تهران)»، *مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران*، د ۷، ش ۱، ص ۶۵-۴۳.

بیدل، پ. و محمودزاده، م. (۱۳۹۱). «بررسی میزان تعلق اجتماعی مردم به جامعه ایران و رابطه آن با اعتماد اجتماعی و فردگرایی»، *مطالعه موردی مشهد*، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، د ۵، ش ۲، ص ۶۳-۳۱.

پی‌یرس، ف. ل. (۱۳۸۹). *رفتار گردشگر*، ترجمه: ضرغام بروجنی. تهران: مهکامه.

تیموری، ر.؛ کریمی، ف.؛ تیموری، ز. و صفدری، الف. (۱۳۹۳). «عوامل مؤثر بر گردشگری مکان‌های تاریخی شهری، نمونه موردی: بازار تاریخی کلان‌شهر تبریز»، *گردشگری شهری*، د ۱، ش ۱،

بر حمایت از توسعه پایدار گردشگری تأثیر مثبت و معناداری دارد و فرضیه ۷ پژوهش نیز تأیید می‌شود. نتیجه‌های فرضیه‌های پژوهش به صورت خلاصه در جدول ۸ آمده است. همواره این روحیه نزد ایرانیان وجود داشته است که برای نشان دادن ارزش و اعتبار تاریخی خود، به اثرهای تاریخی فراوان کشورشان رجوع می‌کنند و آنها را به دیگران را نشان می‌دهند؛ اثرهایی که دلیل محکمی بر پیشینه پرافتخار این مرز و بوم‌اند. همان‌طور که کالین و جنکینز (۱۳۸۲) اشاره کرده‌اند پژوهش‌های مرتبط با موضوع گردشگری، باید به ساختارهای قدرت و روش‌ها و نقش آنها در تبلیغ و ترویج میراث موردنظر خود و نادیده گرفتن تاریخ و گذشته سایر گروه‌ها توجه کنند. دانشجویان جهانگردی نیز باید با برجسته کردن نقش یک محل و ساختارهای قدرت در معرفی میراث آن محل، اهمیت و پیچیدگی موضوع محل را به مردم معرفی کنند. در راستای نتیجه‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود فرهنگ‌سازی صحیح درباره آگاهی از صدمه‌های زیست‌محیطی این مجموعه و حفظ محیط زیست پاک در اطراف آن از سوی مسئولان و با ابزار رسانه صورت گیرد؛ زیرا این میراث جهانی متعلق به آنان است، مردم به آنجا تعلق دارند و این سبب افزایش حس تعلق آنان می‌شود. همچنین بهتر است صنایع دستی روستاهای اطراف و آداب و رسوم آنها به گردشگران معرفی شود. برپایی یک نمایشگاه در اطراف مجموعه، سبب معرفی آداب و رسوم و صنایع دستی ساکنان آنجا می‌شود که در حال حاضر چنین نمایشگاهی دیده نمی‌شود. در تصمیم‌هایی که درباره تخت‌جمشید گرفته می‌شود، باید اولویت به ساکنان محلی داده شود و نظرهای آنان پرسیده شود. این نوع حس خودباوری به وجود می‌آورد. امید است در آینده‌ای نه‌چندان دور، همین اهالی پیشگامان حفظ و نگهداری از این مجموعه جهانی باشند. پژوهش حاضر همچون پژوهش‌های دیگر با محدودیت‌هایی از جمله مناسب نبودن برخی شاخص‌های برازش روبه‌رو بود. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی به‌طور متقابل نیت‌های

- ص ۷۸-۶۳. «نگرش و گرایش جامعه میزبان به توسعه گردشگری در نواحی روستایی، نمونه موردی مطالعه: دهستان گلیجان، شهرستان تنکابن»، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ش ۷۱، ص ۴۸-۳۵.
- کالین، م. ه. و جنکینز، ج. (۱۳۸۲). سیاست‌گذاری جهانگردی، ترجمه: محمد اعرابی و داوود یزدی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- گلایی، ف. و اخشی، ن. (۱۳۹۳). «مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی»، جامعه‌شناسی کاربردی، س ۲۶، ش (۳) ۵۹، ص ۱۶۰-۱۳۹.
- گنجی، م. و زارع‌غیاث‌آبادی، ف. (۱۳۹۴). «رابطه استفاده از رسانه‌های جمعی و میزان سرمایه اجتماعی در شهر کاشان»، جامعه‌شناسی کاربردی، س ۲۶، ش (۴) ۶۰، ص ۱۲۸-۱۰۹.
- گوهری، م. (۱۳۹۰). اثرات جهانگردی، مازندران: دریاچه نو و دانشگاه مازیار.
- مبارکی، م. و صلاحی، س. (۱۳۹۱). «کیفیت خدمات شهری، تعهدات شهروندی و حس تعلق اجتماعی»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، س ۱۳، ش ۵۰، ص ۳۱۵-۲۷۵.
- معصومی، م. (۱۳۸۵). ماهیت گردشگری. تهران: پیک کوثر.
- نجاززاده، م. و نعمت‌اللهی، م. (۱۳۹۵). «بررسی عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری روستایی در راستای پایداری و توسعه جوامع محلی در مناطق نمونه گردشگری»، فصلنامه جغرافیا، س ۱۴، ش ۴۹، ص ۲۴۹ - ۲۲۵.
- نعمت‌اللهی، م. (۱۳۹۴). امکان‌سنجی گردشگری روستایی، راهی برای رسیدن به توسعه، منطقه مورد مطالعه: روستای قلات شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده گردشگری، دانشگاه سمنان.
- نعمت‌اللهی، م.؛ نجاززاده، م. و بلوچی، ح. (۱۳۹۵). ارزیابی سطوح پایداری مقاصد روستایی در راستای توسعه
- خانی، ف. و علی‌بیگی، ج. (۱۳۹۱). «نقش رسانه‌های جمعی در مشارکت جوامع محلی در مناطق روستایی، مطالعه موردی: روستاهای نمونه شهرستان شیروان چرداول»، رشت: همایش ملی توسعه روستایی، دانشگاه گیلان، ص ۲۱-۱.
- ربیعی، ک. (۱۳۹۴). «توسعه اجتماعی - اقتصادی و تأثیر آن بر تلقی افراد از چستی خرافات، مطالعه موردی: شهرستان‌های استان اصفهان»، جامعه‌شناسی کاربردی، س ۲۶، ش (۴) ۶۰، ص ۱۴۸-۱۲۹.
- رضوانی، م. و نجاززاده، م. (۱۳۸۷). «بررسی و تحلیل زمینه‌های کارآفرینی روستاییان در فرایند توسعه نواحی روستایی، مطالعه موردی: دهستان برآن جنوبی شهرستان اصفهان»، توسعه کارآفرینی، س ۱، ش ۲، ص ۱۸۲-۱۶۱.
- رنجبریان، ب. و زاهدی، م. (۱۳۸۸). شناخت گردشگری، اصفهان: چهارباغ.
- زنگنه، ی.؛ حسین‌آبادی، س.؛ روشندل، ت. و نبی‌پور، ر. (۱۳۹۳). «تأثیر تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی بر بهسازی مشارکت محلات قدیمی، نمونه موردی: محله سرده سبزوار»، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، س ۵، ش ۱۹، ص ۱۱۱-۱۲۸.
- شیانی، م. و هاشمی، س. (۱۳۹۲). «تجربه گردشگری و هویت ملی، مورد مطالعه: شهروندان شهر شیراز»، مجله جامعه‌شناسی ایران، د ۱۴، ش ۲، ص ۷۸-۵۷.
- ضرغام‌بروجنی، ح. (۱۳۸۹). برنامه‌ریزی توسعه جهانگردی، رویکردی هم‌پیوند و پایدار، تهران: مهکامه.
- ضرغام‌بروجنی، ح. و شالبافیان، ع. (۱۳۹۲). سیاست‌های گردشگری کشورها، تهران: مهکامه.
- ضیایی، م. (۱۳۸۸). جغرافیای گردشگری، تهران: دانشگاه پیام نور.
- علیقلی‌زاده فیروزجایی، ن.؛ قدمی، م. و رمضان‌زاده لسبویی، م.

- Management*, 2: 4–13.
- Grgic, I. Zimberk, T. Tratnik, M. Markovina, J. & Jura, J. (2010) "Quality of Life in Rural Areas of Croatia to Stay or to Leaver?" *African Journal of Agricultural Research*, 5(8): 653-660.
- Gu, H. & Ryan, C. (2008) "Place Attachment, Identity and Community Impacts of Tourism – The Case of a Beijing Hutong." *Tourism Management*, 29: 637–647.
- Gursoy, D. Jurowski, C. & Uysal, M. (2002) "Resident Attitudes: A Structural Modelling Approach." *Annals of Tourism Research*, 29(1): 79–105.
- Gunn, C. (1994) *Tourism Planning: Basics, Concepts, Cases*. Washington: Taylor & Francis.
- Hanafiah, M. H. Jamaluddin, M. R. & Zulkifly M. I. (2013) "Local Community Attitude and Support towards Tourism Development in Tioman Island." *Social and Behavioral Science*, 105: 792- 800.
- Inskip, E. (1991) *Tourism Planning: An Integrated and Sustainable Development Approach*. New York: Van Nostrand Reinhold.
- Jackson, M. S. & Inbakaran, R. J. (2006) "Evaluating Residents' Attitudes and Intentions to Act towards Tourism Development in Regional Victoria, Australia." *International Journal of Tourism Research*, 8: 355–366.
- Joppe, M. (1996) "Sustainable Community tourism Development Revisited." *Tourism management*, 17(7): 475-479.
- Jurowski, C. Uysal, M. & Williams, D. R. (1997) "A Theoretical Analysis of Host Community Resident Reactions to Tourism". *Journal of Travel Research*, 36(2): 3–11.
- Jurowski, C. & Gursoy, D. (2004) "Distance Effects on Residents' Attitudes toward Tourism." *Journal of Travel Research*, 31(2): 296–312.
- Kim, K. (2002) *The Effects of Tourism Impacts Upon Quality of Residents in the Community*. (Ph. D. Dissertation). Black Sburg Virginia Faculty of the Virginia polytechnic Institute and State University.
- Latkova, P. & Vogt, C. A. (2012) "Residents' Attitudes toward Existing and Future Tourism Development in Rural Communities." *Journal of Travel Research*, 51(1): 50–67.
- Lee, A. A. & O'neil, L. J. (2004) *Framework for Sustainability: A Conceptual Model of a Complex System*, Engineer Research and Development Center (ERDC): Vicksburg, Mississippi, USA.
- Mason, P. & Cheyne, J. (2000) "Residents' Attitudes to Proposed Development." *Annals of Tourism Research*, 27: 391–411.
- Minnaert, L. (2014) "Social Tourism Participation: The Role of Tourism Inexperience and Uncertainty." *Tourism Management*, 40: 282-291.
- گردشگری روستایی با تعدیل‌گری تصویر مقصد، مطالعه موردی: دهستان دراک شهرستان شیراز»، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، س ۵، ش ۴ (۱۶)، ص ۱۵۴–۱۷۴.
- نوری‌شادمهانی، ر. (۱۳۹۰). *تاریخ فرهنگ ایران، تهران: مه‌کامه*.
- نوری‌نشاط، س. (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر اصول و روش‌های توانمندسازی محلی، تهران: برگ زیتون*.
- وثوقی، ل؛ خانی، ف؛ مطیعی‌لنگرودی، ح. و رهنمایی، م. (۱۳۹۰). «ارزیابی نگرش جامعه روستایی به گردشگری، بر مبنای مدل معادلات ساختاری، مطالعه موردی: منطقه کوهستانی رودبار قصران، شهرستان شمیران»، پژوهش‌های روستایی، س ۲، ش ۴، ص ۸۸–۶۳.
- Akan, P. & Kuvan, Y. (2005) "Residents' Attitudes Toward General and Forest-Related Impacts of Tourism: the Case of Belek, Antalya." *Tourism Management*, 26: 691–706.
- Andriotis, K. & Vaughn, R. (2003) "Urban Residents' Attitudes Toward Tourism Development: The Case of Crete." *Journal of Travel Research*, 42(2): 172–185.
- Bestard, A. B. & Nadal, J. R. (2007) "Modelling Environmental Attitudes Toward Tourism." *Tourism Management*, 28: 688–695.
- Brida, J.G. Osti, L. & Barquet, A. (2010) "Segmenting Resident Perceptions Towards Tourism a Cluster Analysis with a Multinomial Logit Model of a Mountain Community." *International of Tourism Research*, 12: 591-602.
- Dyer, P. Gursoy, D. Sharmaa, B. & Carter, J. (2007) "Structural Modelling of Resident Perceptions of Tourism and Associated Development on the Sunshine Coast, Australia." *Tourism Management*, 28: 409–422.
- Fun, F. F. Chiun, L. M. Songan, P. & Nair, V. (2014) "The Impact of Local Communities Involvement and Relationship Quality on Sustainable Rural Tourism in Rural Area, Sarawak. The Moderating Impact of Self-Efficacy." *Social Behavioral Sciences*, 144: 60-65.
- Giles, E. L. Bosworth, G. & Willett, J. (2013) "The Role of Perception in the Marketing of Rural Areas." *Journal of Destination Marketing &*

- and Development*, 5(2): 113–129.
- Timothy, D. (1999) "Participatory Planning: A View of Tourism in Indonesia." *Annals of Tourism Research*, 26: 371–379.
- Um, S. & Cromton, J. (1978) "Measuring Residents Attachment Levels in a Host Community." *Journal of Travel Research*, 26(1): 27-29.
- Vargas-Sanchez, A. Plaza-Mejia, M. A. & Porras-Bueno, N. (2009) "Understanding Residents' Attitudes toward the Development of Industrial Tourism in a Former Mining Community." *Journal of Travel Research*, 47(3): 373–387.
- Woods, M. & McDonagh, J. (2011) "Rural Europe and the World: Globalization and Rural Development (Editorial)." *European Countryside*, 3(3): 153- 163.
- Woosnam, K. Norman, W. & Ying, T. (2009) "Exploring the Theoretical Framework of Rural Areas." *Journal of Destination Marketing & Management*. 2: 4–13.
- WTO. (2013) *Manila Declaration on World Tourism*. Madrid: World Tourism Organization, Annals of Tourism Research.
- 289.
- Milne, S. (1998) "Tourism and Sustainable Development: the Global-Local Nexus." in *Sustainable Tourism: A Global Perspective*, Hall, M. & Lew, A. (Eds). New York: Longman. 35-48.
- McCool, S. & Martin, S. (1994) "Community Attachment and Attitudes towards Tourism Development." *Journal of Travel Research*. 32(3): 29–34.
- Mitchell, R. & Reid, D. (2001) "Community Integration: Island Tourism in Peru." *Annals of Tourism Research*, 28: 113–139.
- Murphy, P. (1985). *Tourism: A Community Approach*. London: Routledge.
- Nicholas, L. N. Thapa, B. & Ko, Y. J. (2009) *President's Perspectives of a World Heritage Site, the Pitons Management Area, St. Lucia*: university of florida, usa.
- Nunkoo, R. & Gursoy, D. (2012) "Residents Support for Tourism: an Identity Perspective." *Annals of Tourism Research*, 39(1): 243-268.
- Nyaupane, G. & Thapa, B. (2004) "Evaluation of Ecotourism: A Comparative Assessment in the Annapurna Conservation Area Project, Nepal." *Journal of Ecotourism*, 3: 20–45.
- Palmer, A. Koenig-Lewis, N. & Jones, L. (2013) "The Effects of Residents' Social Identity and Involvement on their Advocacy of Incoming Tourism." *Tourism Management*, 38(1): 142-151.
- Reitsamer, B. F. Brunner-Sperdin, A. & Stokburger-Sauer, N. E. (2016) "Destination Attractiveness and Destination Attachment: The Mediating Role of Tourists' Attitude." *Tourism Management Perspectives*, 19: 93–101.
- Ryan, C. (2002) "Equity, Management, Power Sharing and Sustainability – Issues of the 'New Tourism.'" *Tourism Management*, 23: 17–26.
- Saayman, M. (2009) *"A Strategic Management Plan for the Sustainable Development of Geotourism in South Africa."* Dissertation Submitted in Fulfilment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy at the Potchefstroom Campus of the North-West University. Africa.
- Sharpley, R. (2014) "Host Perception of Tourism, A Review of the Research." *Tourism Management*, 42: 37-49.
- Stylidis, D. & Terzidou, M. (2014) "Tourism and the Economic Crisis in Kavala, Greece." *Annals of Tourism Research*, 44: 210–226.
- Terzidou, M. Stylidis, D. & Szivas, E. (2008) "Residents' Perceptions of Religious Tourism and its Socio-Economic Impacts on the Island of Tinos." *Tourism and Hospitality Planning*